

خدا

مصاحبه دیدار آشنابا

کسی را پیدا نکردیم
مصاحبه کنیم. این بود که
قرآن خدا را از دم ورق زدیم تا
اگر آیه‌ای به چشم‌مان خورد که
به عنوان پاسخ سؤال‌مان باشد
به عنوان مصاحبه با خداوند
بنویسیم.

دیدار: خدایا گاهی واقعاً کار سخت می‌شود. نمی‌توانیم جلوی خودمان را بگیریم.

خدا فرمود: قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم یعنی اگر می‌خواهی پاک‌دامن بمانی و بتوانی پاکیت را حفظ کنی جلوی چشمت را بگیر. همان اول نگاه نکن.

دیدار: خدایا اگر گرفتار شدیم چه کنیم؟
خدا فرمود: اگر همان لحظه پدرت بباید چه کار می‌کنی؟

دیدار: خوب؛ یک‌جوری جمعی می‌کنیم - تلفن را قطع می‌کنیم - سرمان را پائین می‌اندازیم - نمی‌دانم بالاخره یک کاری می‌کنیم.

خدا فرمود: یعنی من و پیامبران و همه ملائکم به اندازه پدرت نیستیم؟! من همیشه تو را می‌بینم و هوایت را دارم.

دیدار: یعنی حتی وقتی...؟
خدا: همیشه، همه جا. اصلاً اگر هوایت را نداشته باشم نابود می‌شوی، چشمت، گوشت، قلبت... همه چیزت را از دست

اولین سؤال این بود:

دیدار: خدایا چه کار کنیم؟

و خدا فرمود: ولیستغفف؛

یعنی [پاک آفریده شدید] پاک بمانید.

دیدار: خدایا چگونه؟

خدا فرمود: یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطان

یعنی راهی که شیطان پلیس راهنمایی و رانندگی آن است نرو!

دیدار: چرا؟ مگر چه عیبی دارد؟

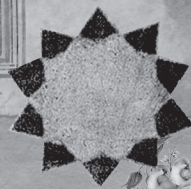
خدا: و من یتبع خطوات الشیطان فانه یامر بالفحشاء و المنکر

یعنی هر کس پا جای پای شیطان بگذارد کار شیطان هدایت به فحشاء و زشتی است.

دیدار: خدایا ولی لذت دارد. با لذتش چه کار کنیم؟

خدا فرمود: الطیبات للطیین و الخبیثات للخیین

یعنی خلائق هر چه لایق. زنبور از گل لذت می‌برد و نمره‌اش عسل است مگس قوی باغ هم دنبال کثافت می‌گردد. ببین چه هستی.



مطلب افتخاری

هزار و سیصد و خورده‌ای سال پیش امام صادق (ع) که می‌دانست ما قرار است یک ویژه‌نامه درباره حضرت می‌دانستند که با مشایخ و صاحب‌مواجه می‌شویم. به یکی از شاگردان‌شان مطلبی را سپرده بودند که به دست ما برسد و ما را به دوست‌شان حضرت صادق (ع) یوسف‌چطور فرمودند «می‌دانی سالم بیرون آیدی» عرض کرد ما هم مثل همه بچه‌های دیدار آشنا نمی‌دانیم. حضرت دیدار آشنا نمی‌دانیم. یوسف از اول نگاه نکرد. در تمام ز مدت سرش پایین بود. چون هر چه دیده و دل هر دو فریاد که با سپاس از همه الطاف امام صادق (ع)

حضرت دیدار آشنا نمی‌دانیم. یوسف از اول نگاه نکرد. در تمام ز مدت سرش پایین بود. چون هر چه دیده و دل هر دو فریاد که با سپاس از همه الطاف امام صادق (ع)

خدا: پس از من کمک بخواه.

دیدار: اگر همه درها بسته بود چه؟
خدا: مگر قفلی هست که خدا نتواند باز کند.

به طرف در بسته برو ولی به طرف گناه نرو.
دیدار: با در بسته چه کنم؟!

خدا فرمود: مگر نامه مرا نخواندی؟

دیدار: کدام نامه؟

خدا فرمود: قرآن را می‌گویم - سوره یوسف

- همان وقت که یوسف در دام زلیخا افتاد. همه درها را هم قفل کرد. رو برو گناه بود و پشت سر هفت در قفل شده.

یوسف هم مثل تو گرفتار شده بود ولی به حرف من اطمینان کرد و به طرف در بسته رفت. من قبل از آن که به در برسد قفل را باز کرده بودم.

دیدار: خدایا یعنی برا ما هم درها را باز می‌کنی؟ ما که یوسف نیستیم. ما خیلی بدیم.
خدا: من یوسف را هم فرستادم تا به تو کمک کنم.

دیدار: همان لحظه موبایلم زنگ زد... خودش بود...

خدا نگاهی به من کرد.

قطع کردم. شمارش را هم از گوشی پاک کردم.

مصاحبه با خنده خدا تمام شد. ولی قبل از پایان مصاحبه گفت: یادم نمی‌رود به خاطر من چه کار کردی؟ منتظر جبرانش باش.

می‌دهی.

دیدار: یعنی وقتی من درگیر گناه هستم، با سرمایه تو گناه تو را انجام می‌دهم؟

خدا: هو الذی رزقکم - یعنی مگر غیر از خدا هم کسی می‌تواند به تو نعمتی بدهد؟

دیدار: خدایا این که می‌گویند یک نظر حلال است، واقعا حلال است؟! یعنی می‌شود یک بار نگاه کنیم؟

خدا فرمود: این که گفتم چشمت را درویش کن مال همین جاست. یعنی اگر چشمت خورد، نگاهت را بشکن، سرت را پائین بینداز. نه این که سر خیابان بایستی به همه یک نظر نگاه کنی.

دیدار: گذشته را چه کار کنیم؟

خدا فرمود: یا عبادى الذین اسرفو علی انفسهم (آیه از ورد کامل بیاید)

یعنی: اگر کسی از جاده خارج شد و به خودش ظلم کرد توبه کند من جبران می‌کنم. مثل بیمه!

دیدار: بعضی وقت‌ها همین که به خودمان می‌آییم می‌بینیم توی تور افتاده‌ایم. نه راه پس داریم، نه راه پیش. آن وقت چه کنیم.

خدا فرمود: خودت بگو باید چه کار کنی؟

دیدار: سکوت کرد. راستی باید چه کار کنم.

خدا فرمود: آیا آن گناه و شیطان نمک‌نشناس و سوسه‌گر قدرتش از خدا بیش‌تر است؟
دیدار: نه این که مسلم است.

